

گروه گزارش

برگ دوم دست نوشته های خبرنگاران ما، روایتی دیگر از درددل هاست. خبرنگاران ما این بار در راهروهای برخی ادارات سکوت را ملاقات کردند و گاهی حرف ها و گلایه های مراجعه کنندگان را شنیدند. حاصل دوربین ۵ خبرنگار روی ۵ اداره آن چیزی است که در پیش رو دارید.

❗ در راه پله های ثبت

نفس زنان هر دو پله را یکی می کند و به امید آن که امروز دیگر کارش راه بیفتد، خودش را به طبقه دوم می رساند، مستقیم به سمت در اتاق کارمند مربوط می رود، در باز است و او خوشحال، اما وارد اتاق که می شود با دیدن جای خالی کارمند بهت زده می شود و زیر لب غرغر کنان می گوید: این چندمین باری است که می آیم و این فرد را پیدا نمی کنم. ۵ تا ۶ نفر از مراجعه کنندگانی که روی صندلی در انتظار نشسته اند و همه آن ها به جزی کفر سن و سال دار هستند، هم از این روند ناراضی اند.

ثبت اسناد و املاک استان محسوب می شود و آن هایی که می خواهند ملک بخرند یا نقل و انتقالات سند دارند، حداقل یکی بار کارشان به این اجا افتاده است، کارکنان می گویند همه کارها به صورت سیستمی انجام می شود و این شیوه به کار آن ها سرعت بخشیده است البته این راه کتمان نمی کنند که گاهی قطع بودن سیستم ها باعث معطلی مراجعه کنندگان می شود و گریزی هم از آن نیست. دوپیرمرد مراجعه کننده که هر کدام پوشه محضر اسناد رسمی را زیر بغل گرفته اند، با ناراحتی به هم نگاه می کنند، یکی از آن ها از این که امروز کارشان راه نمی افتد، ناراحت است و اظهارمی کند: می گویند بروید فردا بیایید، باید محضر خانه یک نامه می داده که نداده است و باید فردا با داشتن آن فرم دوباره مراجعه کنیم. مرد میان سالی که انگار زیاد به این جا رفته و آمد دارد و همه اتاق ها و کارمندانش را می شناسد، با نگاهی به یکی از اتاق ها بی حوصله می گوید: «باز هم که نیست»، کتارم می نشیند، پیرمردی که آن طرف تر نشسته است، با کنایه می پرسد: باز هم نیستند؟ مرد جوانی هم با نیشخندی اظهارمی کند: «این تازه اول خوشبختی ماست» یکی گفت:اگر...کارت راه می افتد، پیرمرد انگار دل پری از بیور کراسی اداری دارد. مدت هاست که به این اداره می آید و می رود و به گفته خودش ۶ واحد آپارتمان ساخته است که از بهمن برای دریافت سند اقدام کرده و فقط توانسته است سند ۳ واحد را بگیرد و بقیه مانده اند البته در این بین برخی واحدها هم را فروخته است و یک مالک جدید هم که خواهان سند منزلش است، از دست او شکایت کرده و حالا باید پاسخگوی او هم باشد.



راهرویی در اداره ثبت اسناد و املاک استان خراسان

قدم خیر شيروانی برای توسعه مدرسه زيارت

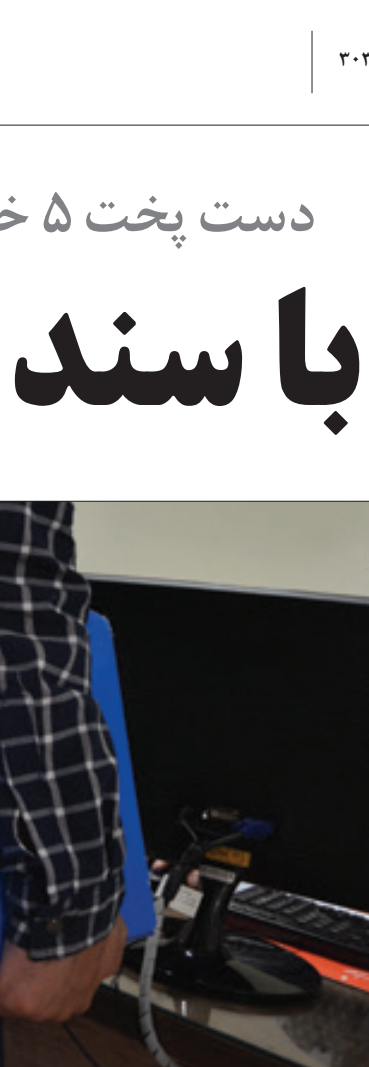


«مروارید درستکار» خیر شيروانی ۱۲۰ ميليون تومان برای توسعه مدرسه زيارت اهدا كرد.به گفته مدير آموزش و پرورش شيروان مقرر شد با مبلغ اهدا شده ۵ باب کلاس آموزشی به متراژ ۹۲ مترمربع در مدرسه زيارت، به نام شهيد (محمد حسن حسن نيا مقدم) احداث شود.«علی ابراهيميان» با قدرانی از اقدام خیران مدرسه ساز بیان کر کرد: شهرستان شيروان دارای مدارس فرسوده بسیاری خصوصاً در مناطق روستایی و کمتر توسعه یافته است که مقاومت و ایمنی کافی را برای استفاده دانش آموزان ندارد و جایگزینی و ساخت مدارس تازه توسط خیران، فضای آموزشی مناسب و ایمنی را برای دانش آموزان فراهم می کند.

آسفالت داخل روستای گیفان علیا
معاون مهندسی و ساخت اداره کل راه و شهرسازی خراسان شمالی از انجام آسفالت داخل روستای گیفان علیا از توابع بخش گرمخان شهرستان بجنودر توسط این اداره کل خبر داد.
به گزارش اداره ارتباطات و اطلاع رسانی خراسان شمالی، علی علمیردانی گفت: با توجه به پیگیری های اهالی روستای گیفان علیا، آسفالت داخل روستا به طول ۱۴۰۰ متر و عرض ۱۰ متر و با بیش از ۵ میلیاردریال اعتبار توسط این اداره کل صورت گرفت .وی اظهار کرد: پیش از این مردم این روستا از راه خاکی برای تردد در داخل روستا استفاده می کردند که با آسفالت آن زمینه ارتباط بیش از پیش آن ها با روستاهای اطراف و مرکز شهرستان و همچنین تبادلات اقتصادی و کشاورزی منطقه فراهم می شود.



سند و برگه و پوشه از آسانسور بیرون می آید و به سمت اتاق املاک می رود. او هم با دیدن جای خالی کارمند مربوط چهره اش برافروخته می شود، با صدای بلند از کارمندان اتاق های دیگر که در حال رفت و آمد در سالن هستند، می خواهد پرونده اش را مهر بزنند و می گوید من قند خونم پایین افتاده است و الان زمان تزریق انسولین ام است و اگر این جا منتظر بمانم ممکن است کار دست تان بدهم و حالم بد شود.در اتاق های دیگر سالن، از اتاق معاونت، دبیرخانه و هیئت قانون تعیین تکلیف و سامان دهی که بگذریم، بیشتر مراجعه کنندگان معطل گرفتن امضا یا بررسی پرونده شان هستند که برخی کارشناسان اداره مانند نقشه بردارها در بیرون از اداره به ملک های از پیش تعیین شده و وقت گرفته شده رفته اند و آن جا مشغول نقشه برداری هستند. به گفته یکی از کارمندان تا ساعت ۸:۳۰ می توان کارشناسان را پیدا کرد اما بعد از آن، باید به دنبال مسئولیت هایی که در بیرون از اداره دارند، بروند و به همین دلیل این موضوع باعث ناخرسندی برخی مراجعه کنندگان شده است.مشغول صحبت هستیم که صدای بلندگوی سالن مرا به خود می آورد و مجری رادیو لفظه نزدیک شدن آذان ظهر را اعلام می کند و پس از آن نوای ملکوتی قرآن و آذان در فضای اداره ملنبن انداز می شود، خانم معاون زودتر از بقیه کارمندان از اتاقش بیرون می آید، کمی اتاق های اطراف را رصد می کند و با شروع شدن آذان به اتاقش برمی گردد و در آن را قفل می کند تا نمازش را اقامه کند.در جمع مراجعه کنندگان، پیرمرد و پیرزنی هم هستند که از همان ابتدا آن جا حضور داشتند و به دنبال کار خود بودند، زن که به زحمت راه می رود، خسته و مستاصل است، او به



شنیدن این حرف همسرش که انگار امروز کارشان راه نمی افتد ناراحت می شود، چند دقیقه ای نمی گذرد که یکی، دو نفر از کارشناسان نقشه بردار پیدای شان می شود، لحظه ای نمی گذرد که یکی از آن ها که هنوز پشت میز خود جا به جا نشده است، اسم یکی از مراجعه کنندگان را صدا می کندو او با خوشحالی پرونده اش را برمی دارد و به سمت انتهای سالن می رود. پس از آن نوبت پیرمرد و پیرزن است که آن ها هم روانه می شوند، کمی کارشان طول می کشد اما وقتی پیرمرد پس از پیژزن بیرون می آید و خطاب به همسرش می گوید: خدا خیرش بدهد، تو سند را امروز امضا کن و دیگر لازم نیست فردا هم بیایی. زن خوشحال می شود و به سمت اتاق دیگری برای گرفتن امضا راه می افتد اما دیدن ساعت دیگر حوصله از کف می دهد و می گوید: رسیده. با اعتراض می گوید: چرا نمی شود؟ پیرمرد با دیدن ساعت دیگر حوصله از کف می دهد و می گوید: من نمی دانم بیا خودت بپرس. آخر کارشان به مجادله ختم می شود اما انگار پیرمرد مصرت از این حرف هاست و می خواهد یک بار دیگر شانس خود را امتحان کند و به کارمند جوانی که کارش را راه انداخته بود، رو بزند، خستگی پیرمرد، کارمند را به سمت اتاق همکارش روانه می کند، مرد جوان از همکارش می پرسد که چرا الان کار این مراجعه کنندگان را انجام نمی دهد و خانم هم توضیح می دهد که سند با خود نیاورده اند و مدارک شان کامل نیست. داستان به همین جا ختم نمی شود و خودش پیرمرد و پیژزن را تا طبقه اول و به سمت اتاق دیگری هدایت می کند و همان جا می خواهد تا امضاهای مورد نیاز گرفته شود و دوباره پیژزن مجبور نباشد فردا به اداره بیاید، آن ها هم سنگ تمام می گذارند و سفارش های لازم را برای ادیت نشدن این ارباب رجوع انجام می دهند و دست آخر پیرمرد و پیژزن با چهره ای خندان اداره را در حالی ترک می کنند که در اتاق هایک به یک در حال بسته شدن و زمان تعطیلی کارمندان هم فرا رسیده است.می روم با با خودم فکر می کنم این جاثبت با سند برابر نیست.

منتظر ارباب رجوع
شیرازی- رنگ و روی مدرسه قدیمی هنوز هم روی در و دیوارش پیداست.



بچه های دبیرستان طالقانی حتماً اگر گذرشان به اداره کل آموزش و پرورش استان بیفتد می توانند یادگاری هایی را از خودشان پیدا کنند، درها رنگ و رو رفته اند و آبخوری مدرسه هنوز هم همان قدر قدیمی کنار در ورودی قرار دارد، احتمالاً خاطرات زیادی از شیطنت های دبیرستانی هایی که با دنبایی از امید به سال های بعد از دبیرستان فکر می کردند، کنار همین آبخوری ثبت شده است.مدرسه قدیمی طالقانی به جای پسران قد نیم قد و گل کوچک بازی کردن شان، از ساختمان ها جوان تر به نظر می رسد و ورودی اش با پرورش تبدیل و محوطه اش پر از ون های پلاک اداری و اتومبیل های مختلف شده است.دو ساختمان شماره یک و دو نشان می دهند که پیر شده اند، هر چند یکی از ساختمان ها جوان تر به نظر می رسد و ورودی اش با قاب عکس ها و پلاک های شهادی معلم و دانش آموز مزین شده است ولی باز هم یک جورهایی شبیه همان مدرسه هایی است که صدای فریاد ناظم و شاید صحنه پرت شدن پسر بچه ها از کلاس درس را می توان در آن تصویر سازی کرد و حتی قایمکی به تصویری که از آن ساخته شده هم ریز ریز خندید!ساعت از ۱۲ گذشته و هر دو ساختمان خالی از ارباب رجوع است، آن هم در زمانی که هیاهوی ثبت نام مدارس دغدغه بیشتر خانواده هاست، ولی چیزی در اداره کل آموزش و پرورش استان دیده نمی شود.

تنها یک دانش آموز پسر به همراه مادرش که داشتند از اصلی بیرون می رفتند و این نشان می دهد که این اداره ارباب رجوع هم دارد، وگرنه طی آن ساعتی که آن جا بودم کسی برای طرح سوال و مشکل اش نیامد، در حالی که تمام اتاق ها به طور مشخص معلوم بود برای چه بخشی در نظر گرفته شده است؛ از اتاقی با عنوان اتاق کارشناس مدارس غیردولتی تا ارتباطات و رسیدگی به شکایت ها.در بیشتر اتاق ها کارمندان پشت میز کار خود بودند و از اتاقی هم صدای بحث چند نفر در مورد امتیازدهی بعضی از درس ها می آمد که معیار سنجش ها را بررسی می کردند. صدای آذان که به گوش رسید کنار همان آبخوری مدرسه قدیمی آستین های بالا رفته کارمندان مرد برای وضو گرفتن، تداعی همان پسر بچه های مدرسه طالقانی بود که برای اقامه نماز وضو می گرفتند و می خندیدند و خاطره تعریف می کردند. از کجا معلوم؟ شاید خود آن ها هم پسر بچه ای بودند



دست پخت ۵ خبرنگار از ۵ اداره

ثبت با سند برابر نیست

در مدرسه طالقانی که کنار همان آبخوری خاطرات بازی گوشى هاى شان را هم مرور می کردند. با آن که می دانم اتاق کارشناسی مدرسه غیردولتی کجاست از کارمندانی که در دیگر اتاق ها یا در راهرو هستند، می پرسم برای ثبت نام فرزندم در مدرسه غیردولتی کجا باید بروم و به مشکل برخورده ام، به طور کامل راهنمایی ام می کنند و نام فرد کارشناس را هم می گویند که می تواند مشکل ام را حل کند.به اتاق که می رسم کارمند مذکور برای اقامه نماز میزش را ترک کرده است، این را همکارش می گوید و ادامه می دهد: کمی منتظر بمانید الان می آید.

دو اداره دیگر نیز که دو خبرنگار ما به آن جا مراجعه کرده اند نیز منتظر ارباب رجوع هستند که دیگر همانند گذشته ارباب رجوع ندارند؛ بنیاد مسکن و جهاد کشاورزی شهرستان بجنودر.

❗ **طلمس سکوت**
سکوت در راهروها قدم می زند. حاصل سرک کشیدن هایم به تک تک اتاق ها نیز موجب نمی شود سکوت لحظه ای شکسته شود، به همان اندازه که مدیران، معاونان و کارکنان سرجای شان هستند جای خالی ارباب رجوع به شدت احساس می شود، بی درنگ این سوال در ذهنم ایجاد می شود که دلیل آن چیست، آیا سیستم پاسخ دهی ادارات تغییر کرده یا کسی دیگر مشکلی ندارد. به هر کجای اداره کل بنیاد مسکن که می روم و هر چه می کنم طلمس سکوت شکسته نمی شود، از این جهت راهی واحد شهرستانی این اداره کل می شوم، بنیاد مسکن بجنودر اما چند مراجعه کننده توچهم را جلب می کنند، اگر چه جای خالی آن ها در این اداره شهرستانی احساس نمی شود اما این جا نیز به شدت خلوت است و دیگر مثل گذشته نیست.پیژزنی با پوشه ای از مدارک در دست روی صندلی نشسته و چنان منتظر است که انگار مدت هاست در این موقعیت قرار گرفته است، در همین زمان دو نفر دیگر می آیند و چند سوال از کارمندان می پرسند و می روند، پیژزن همچنان منتظر است که پشت میزها برای اقامه نماز خالی می شود، بی صدا کنار پیژزن می نشینم. او نگاه می کند و صد البته که پندی نیز به من می دهد، می گوید: برای گرفتن وام آمده ام یا به تو می گویم اصلاً وام نگیر چون بيجاره می شوی، این پول ها دیگر جوابگوی ساخت خانه و آشنایه نیست، فقط ما روستاییان را مقروض و زندگی را سخت تر می کند.آرام صحبت می کند، به زمزمه ای یا شاید ناله ای می ماند.

سرش را پایین می اندازد و من نجوا و ناله های ضعیف اش را می شنوم: «وام گرفته ام، چه وام گرفتی که تنها با آن ستون و سقف زده ام و خانه ام دیگر تمام نخواهد شد چون بگير توان ساخت ندارم، ديگر پولی در بساط نیست، آمده ام که خود را مقروض تر کنم تا شاید یک شب بر سقف خانه ام آرام بگیرم».
در این شهریه را با صورت وام پرداخت می کنند و آن هایی برایم آشناسن، این نجوا فریادی است که این روزها از بسیاری از متقاضیان شنیده می شود. یک طبقه بالاتر به شکایت ها.در بیشتر اتاق ها رجوع نیست، بیشتر درها با چرسب «وارد نشوید» به روی مراجعه کنندگان بسته است، اگر چه تا ۴ یا ۴ کارمند آن سوی پیشخوان و در نشسته اند اما اجازه ورود به مراجعه کنندگان در حد همان ایستادن پشت در است.دقایقی بعد از انگار بسته می نشینم و رفت و آمدهای ارباب رجوع ها و کارکنان را زیر نظر می گیرم، برخی ها اما حال شان خوب است؛ همان حرم رضوی تجلیل و از ایلپیکش «پوستان و پوستان» رونمایی شد.

استان؛ میزبان همایش اقتصاد مقاومتی و مقاوم سازی فرهنگی می شود

رئیس شورای فرهنگ عمومی استان در بخش دیگری از سخنانش به برگزاری همایش اقتصاد مقاومتی و مقاوم سازی فرهنگی در سبک زندگی امام سجاد (ع) که خروجی های خوبی داشت، اشاره و آن را نشانه ای مهم برای ابعاد دادن به مسائل اقتصادی و فرهنگی بیان کرد.وی این را هم گفت که این آمادگی در استان وجود دارد که کاری که شروع شده و تجربه خوبی برای استان بوده ادامه پیدا کند تا جامعه را با این دو مقوله مهم و کلیدی بیشتر آشنا کنیم.
حجت الاسلام «ارزانی» دبیر شورای فرهنگ و هنر روستا و عشایر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کشور هم از اعلام آمادگی این وزارت برای برگزاری همایش اقتصاد مقاومتی و

کلاس آمادگی پذیرش مسافران را دارند، اظهار کرد: از این تعداد کلاس ۹۸ کلاس ویژه هستند و ۲۲۳ کلاس در گروه الف و ۱۰۴ کلاس در گروه ب قرار دارند. رئیس اداره تعاون و امور رفاهی اداره کل آموزش و پرورش خراسان شمالی تصریح کرد: هم اکنون پیگیر ساختن خانه معلم در شهرستان شیروان هستیم. فعالیت ستاد اسکان فرهنگیان از یکم تیر آغاز شده است و تا ۱۵ شهریور ادامه دارد.

کارگاه آموزشی مدیران و کارشناسان حقوقی در روئین برگزار می شود

دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی اول مرداد میزبان کارگاه آموزشی مدیران و کارشناسان حقوقی قطب ۹ کشور در روئین است. مدیر امور حقوقی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی با بیان این مطلب افزود: هرسال این کارگاه چندین نوبت در کشور برگزار می شود که برای نخستین

اسلام را زمینه ساز تقویت ایمان در افراد اعلام کرد و از تاسیس کتابخانه و ترویج کتاب خوانی ... به عنوان مصادیق قفه در دین نام برد.امام جمعه بجنودر بالا بردن فهم در دین، آمیختن دین با عقلانیت و آشنایی فرزندان با فقه در دین نه در حد شعار را کار فرهنگی عمیق و زیربنایی دانست و بر این مسئله که باید نسل مان را مقاوم سازی فرهنگی کنیم زب را با شناخت درست دین طعمه دین ستیزان نخواهند شد، تأکید کرد.وی صبر در سختی ها را از دیگر عناصر لازم برای رسیدن به کمال دانست و نکته دیگری که در کنار عنصرهای فرهنگی در این جلسه مدنظر قرار داد و رنگ و بوی اقتصادی داشت، برنامه ریزی اقتصادی است.

عملکرد تحصیلی و نمرات کتبی دوره هفتم، هشتم و نهم است.

اسکان بیش از ۳ هزار مسافر در مدارس و خانه های معلم استان

از ابتدای تابستان تا نیمه تیر امسال ۳ هزار و ۸۷ مسافر در مدارس و خانه های معلم خراسان شمالی اسکان یافتند. رئیس اداره تعاون و امور رفاهی آموزش و پرورش خراسان شمالی با بیان این مطلب افزود: این ستاد از ابتدای تیر شروع به فعالیت کرده است. به گزارش اداره اطلاع رسانی و روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش، «آذری» گفت: ستاد اسکان دارای ۷ پایگاه در شهرستان های بجنودر، اسفراین، شیرون، گرمه، جاجرمد و مانه و سملقان است که در ادارات مستقل هر شهرستان مشغول به فعالیت هستند. آذری افزود: در مجموع ۵۲ مدرسه و ۳ خانه معلم در بجنودر، آشفانه و اسفراین آماده پذیرش مسافران هستند. وی با اشاره به این که ۴۲۵